

بررسی نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی در ارتباط میان افسردگی و رضایت

زناشویی زنان

محمد رضا بلیاد^{۱*}، فرزانه ناهیدپور^۲ و شهذخت آزادی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۶

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه میان افسردگی و رضایت زناشویی و نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی در زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج بود. به همین منظور، تعداد ۱۶۷ زن مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، به صورت در دسترس انتخاب شدند و به سه پرسش‌نامه تمایز خود، رضایت زناشویی انریچ و افسردگی بک پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش الگویابی معادلات ساختاری و برای بررسی اثرات واسطه‌ای از روش بوت استرپ استفاده شد. تحلیل‌های الگویابی معادلات ساختاری، برآزندگی الگوی پیشنهادی با داده‌های تجربی را تایید نمود. نتایج حاکی از اثر مستقیم نشانگان افسردگی بر رضایت زناشویی و اثر غیرمستقیم این متغیر از راه تمایز یافتگی و خرده‌مقیاس‌های آن یعنی جدایی عاطفی، واکنش هیجانی، جایگاه من و آمیختگی با دیگران بر رضایت زناشویی بود.

واژه‌های کلیدی: تمایز یافتگی، افسردگی، رضایت زناشویی.

^۱ - استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، البرز.

^۲ - مدرس، گروه بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، البرز.

^۳ - استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران، گچساران، کهکیلویه و بویراحمد.

پیشگفتار

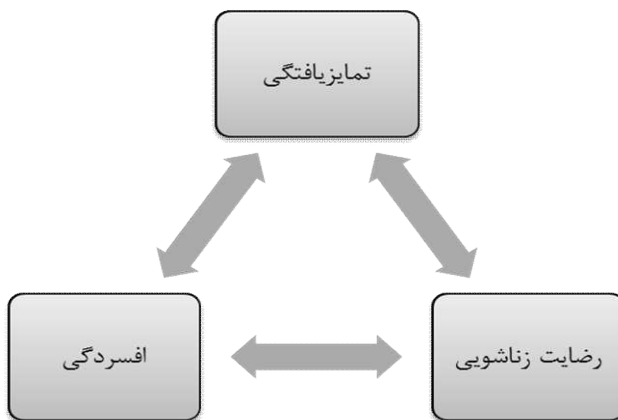
رضایت زناشویی یک سازه ذهنی است که بر پایه برآورده شدن نیازها، انتظارات، و آرزوهای افراد در ازدواج استوار است (Burpee & Langer, 2005). گاتمن، گاتمن و دی‌کلایر (Gottman, Gottman & De Claire, 2006) بر اساس پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که یک ازدواج شاد و رضایت‌بخش، ازدواجی است که در آن زوجها همچون یک دوست خوب و صمیمی بایکدیگر رفتار می‌کنند و تعارضات زناشویی خود را به‌شیوه‌ای ملایم، محترمانه و مثبت مدیریت می‌کنند. در حالی که ازدواج‌های ناراضی با بروز نشانه‌های افسردگی در افراد مشخص می‌شود (Peleg, 2008). افسردگی بر روابط میان‌فردی افراد تأثیرات منفی بسیاری بر جای می‌گذارد. افسردگی، نه تنها ارتباط منفی نیرومندی با رضایت‌زناشویی در هر دو همسر دارد (Uebelacker, 2003) بلکه با اطمینان می‌توان از راه آن فروپاشی رابطه را نیز پیش‌بینی کرد (Ertel, Rich-Edwards & Koenen, 2011). در حقیقت، برخی برآوردها پیشنهاد کردند که همسران افسرده ۲۵ بار بیش‌تر اختلاف زناشویی را نسبت به همسران غیرافسرده گزارش می‌کنند (Bullock, Williams, Lavorato, & Patten, 2009). یکی از منابع این ارتباط نیرومند تمایل افراد افسرده به درگیر شدن در رفتارهای میان‌فردی مختل‌کننده است (Uebelacker, Courtnage & Whisman, 2003). برای نمونه، آن‌ها در روابط زناشویی خود آشفتگی بیش‌تر، ابراز احساسات منفی، انتقاد، حالت‌های دفاعی بیش‌تر و هم‌چنین، سطوح پایین‌تر صراحت کلامی نشان می‌دهند. همسر افراد افسرده نیز انتقاد و منفی‌گرایی بیش‌تری نسبت به شریک افسرده خود و ارتباط زناشویی نشان می‌دهد (Benazon & Coyne, 2000). پژوهش‌های نوین نشان داد که رفتارهای مقابله‌جویانه همچون سرزنش کردن و پرتوقع بودن، ممکن است برای هر دو زوج پریشان‌کننده باشد، به‌گونه‌ای که این رفتارها می‌توانند در گذر زمان کیفیت رابطه را کاهش دهند (Meltzer, McNulty & Karney, 2012). در همین راستا، مک‌نالتی و راسل (McNulty & Russell, 2010) نشان دادند که رفتارهای مقابله‌ای همچون سرزنش کردن و پرتوقعی با مشکلات شدیدتر و سطوح پایین رضایت‌زناشویی همراه هستند. لارنتو همکاران (Lurent et al, 2009) ارتباط طولی میان تعارض زناشویی و نشانگان افسردگی را بررسی

نمودند و دریافتند که درگیر شدن زوجها با یکدیگر و پرخاشگری فیزیکی در طول تعارض تنها با نشانگان افسردگی زن مرتبط است. در یک مطالعه دوسویه، پرولاکس، بوهلر و هلمس (Proulx, Buehler & Helms, 2009) نیز دریافتند که رفتار خشونت‌بار شوهر در طول تعاملات زناشویی سطوح بالاتر نشانگان افسردگی در زنان را سه سال بعد پیش بینی کرد و خشونت زنان نیز با نشانگان افسردگی در شوهران آنها مرتبط بود. هم‌چنین، مشخص گردید که تمایز خود با سلامت روان و رضایت زناشویی ارتباط مثبت دارد. برای مثال، اسکورن، استانلی، و شاپیرو (Skowron, Stanley & Shapiro, 2009) با نمونه‌ای از دانشجویان دریافتند که سطوح بالای تمایز خود با نشانگان روان‌شناختی و مشکلات میان‌فردی کم‌تر همراه است. سطوح افسردگی ارتباط منفی با تمایز خود داشت (Elieson, & Rubin, 2001). افراد غیر افسرده نشان دادند که سطوح بالاتری از تمایز خود نسبت به افراد غیر افسرده دارند.

تمایز یافتگی اساس نظریه بوئن است که به توانایی فرد برای تجربه صمیمیت با دیگران و باقی ماندن در جو عاطفی و حفظ استقلال از آنها اشاره دارد (Klever, 2009). به بیان دیگر، تمایز یافتگی نشانگر عملکرد میان‌فردی، توانایی جدا کردن فرآیندهای عاطفی از منطقی و انجام عملکرد میان‌فردی، توانایی تجربه صمیمیت همراه با استقلال و تعادل مناسب میان آنهاست (HeidenRootes, Jankowski & Sandage, 2010).

به سخن دیگر، افراد تمایز یافته قادرند تا روابط میان‌فردی سالمی با دیگران داشته باشند، احساسات خود را کنترل نمایند، هویت شخصی‌اشان را حفظ کنند و برای خودشان تفکر، احساس و عمل نمایند (Tuason & Friedlander, 2000). آنها قادرند تا میان فرآیندهای عاطفی و منطقی تمایز قائل شوند و به شیوه‌ای کارآمد و سازگارانه به موقعیت‌های استرس‌زا واکنش نشان دهند (Gushue, & Constantine, 2003). در مجموعه‌ای از مطالعات ارتباط منفی میان تمایز خود و اضطراب (Skowron & Friedlander, 1998)، نشانگان روانپزشکی و افسردگی (Jankowski & Hooper, 2012)، نشانه‌های جسمانی (Peleg & Rahal, 2012) و استرس (Bartle-Haring & Lal, 2010) یافت شد. افزون بر این، ارتباط مثبت میان تمایز خود با توانایی حل مشکلات اجتماعی (Skowron, 2004)، سلامت روان‌شناختی (Jankowski & Hooper, 2012)، و

رضایت زناشویی (Peleg, 2008) یافت شد. بوئن (Bowen, 1978) بیان داشت که افراد تمایز یافته از زندگی و روابط زناشویی‌شان راضی هستند (Manzi, Vignoles, Regalia & Scabini, 2006). زمینه‌های نظری امکان مرتبط ساختن تمایز خود به دو متغییر رضایت زناشویی و افسردگی را فراهم می‌سازد. این روابط پیش‌تر مورد بررسی تجربی قرار گرفته‌اند. مطالعات درباره تمایز خود و رضایت زناشویی به این نتیجه کلی منجر شده است که سطوح بالاتر تمایز یافتگی باعث می‌شود تا همسران از روابطشان بسیار راضی باشند (Peleg, 2008). از این‌رو، پژوهشگران در پی آنند تا به بررسی نقش واسطه‌ای تمایز خود در ارتباط میان رضایت زناشویی و نشانگان افسردگی بپردازند تا راهگشای مشاوران در زمینه تشخیص و درمان مشکلات زناشویی باشد.



نمودار ۱- الگوی مفهومی (پیشنهادی) پژوهش.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- افسردگی اثر مستقیم بر رضایت زناشویی دارد.
- ۲- افسردگی اثر مستقیم بر تمایز یافتگی و خرده‌مقیاس‌های آن دارد.
- ۳- تمایز یافتگی و خرده‌مقیاس‌های آن اثر مستقیم بر رضایت زناشویی دارند.
- ۴- افسردگی اثر غیرمستقیم بر رضایت زناشویی از راه تمایز یافتگی دارد.
- ۵- افسردگی اثر غیرمستقیم بر رضایت زناشویی از راه جدایی عاطفی دارد.

- ۶- افسردگی اثر غیرمستقیم بر رضایت زناشویی از راه واکنش هیجانی دارد.
- ۷- افسردگی اثر غیرمستقیم بر رضایت زناشویی از راه جایگاه من دارد.
- ۸- افسردگی اثر غیرمستقیم بر رضایت زناشویی از راه آمیختگی با دیگران دارد.

ابزار و روش

این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش شامل تمامی زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال ۹۴-۹۵ بود که دست‌کم ۲ سال از ازدواج آنان سپری شده بود. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۶۷ زن مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج بود که به‌صورت دردسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، پس از اجازه گرفتن از ریاست مرکز مشاوره دانشگاه در راستای همکاری با پژوهشگران برای گردآوری داده‌ها، دو نفر از همکاران پژوهشگر که مسئول گردآوری داده‌ها بودند، هفته‌ای سه روز به مدت یک ماه در مرکز مشاوره دانشگاه مستقر می‌شدند و از تمامی زنانی که به مرکز مشاوره برای حل مشکلات زناشویی خود مراجعه می‌کردند و مدت ۲ سال از ازدواج آنان سپری شده بود، یعنی از ویژگی‌های جامعه پژوهش برخوردار بودند، درخواست می‌کردند تا در پژوهش شرکت کنند. پس از توضیح درباره هدف پژوهش و کسب رضایت آنان برای مشارکت در پژوهش، پرسش‌نامه‌ها را برای پاسخگویی به آنان می‌سپردند. گفتنی است، مراجعه‌کنندگانی هم که ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه را نداشتند، از نمونه حذف می‌شدند. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از سه پرسش‌نامه به شرح زیر استفاده شد:

الف) پرسش‌نامه تمایز خود^۱: این پرسش‌نامه به وسیله اسکورون و فریندلندر (Skowron & Friendlander, 1998) تهیه و تدوین شد و سپس در سال ۲۰۰۳ به وسیله اسکورون و اسمیت مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسش‌نامه ۴۶ گویه دارد و پاسخ‌های آن در یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخافم) تا ۵ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده است. نمره بالا به معنای تمایز یافتگی و نمره پایین به معنای تمایز نیافتگی است. این ابزار ۴ خرده‌مقیاس به شرح زیر دارد:

واکنش هیجانی (۱۲ گویه) گرایش به واکنش نشان دادن به محرک‌های محیطی بر اساس پاسخ‌های خودکار و نیز طغیان هیجانی را می‌سنجد. خرده‌مقیاس جایگاه من (۱۰ گویه) که حس خودمختاری و توانایی و وفاداری فرد به آنچه به آن باور دارد را می‌سنجد. خرده‌مقیاس جدایی عاطفی (۱۲ گویه)، ترس از صمیمیت یا غرق شدن در روابط نزدیک و رفتارهای دفاعی برای مقابله

¹-Differentiation of self Inventory-Revised

با این ترس‌ها را مشخص می‌کند. خرده‌مقیاس آمیختگی با دیگران (۱۲ گویه) که درگیری عاطفی شدید با افراد مهم و همانندسازی شدید با یکی از والدین را بازتاب می‌کند.

در پژوهش آزادی، ناهیدپور و خسروی (Azadi, Nahidpoor & Khosravi, 2014)، بمنظور تعیین روایی سازه آزمون مورد نظر از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی ابتدا کیفیت ماتریس همبستگی پرسش‌های مقیاس و هم‌چنین، قابلیت نمونه‌گیری محتوایی مقیاس مورد بررسی قرار گرفت. مقدار آزمون کرویت بارلت با برابر با ۴/۷۸ بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بوده و ضریب KMO برابر با ۰/۷۳ بود که حاکی از آن است که داده‌های موجود در ماتریس داده‌ها معنادار و حجم نمونه رضایت‌بخش است. بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس ۴ عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از ۱ استخراج شد که در کل ۵۹/۶۳ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کنند. عامل‌های تایید شده به ترتیب درصد واریانس ارزش ویژه که مقدار روایی همگرا را می‌سنجد به شرح زیر است: میانگین واریانس استخراج شده برای مقیاس واکنش عاطفی (۰/۷۱)، جدایی عاطفی (۰/۶۶)، آمیختگی با دیگران (۰/۶۰)، و مقیاس جایگاه من (۰/۵۳).

اسکوورن و اسمیت (Skowron, & Schmitt, 2003) پایایی کل پرسش‌نامه و خرده‌مقیاس‌های آن را با استفاده از روش آلفای کرانباخ به شرح زیر بدست آورد: کل پرسش‌نامه ۰/۹۲، واکنش عاطفی ۰/۸۹، جایگاه من ۰/۸۱، جدایی عاطفی ۰/۸۴، و آمیختگی با دیگران ۰/۸۶. در ایران، نجف‌لویی (Najafloo, 2005) نیز پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرانباخ به شرح زیر بدست آورد: کل پرسش‌نامه ۰/۷۲، واکنش عاطفی ۰/۸۱، جدایی عاطفی، ۰/۷۶، آمیختگی با دیگران ۰/۷۹، و موقعیت من ۰/۶۴.

ب) آزمون افسردگی بک^۱: پرسش‌نامه افسردگی بک یک پرسش‌نامه خودگزارشی ۲۱ سوالی است که برای اندازه‌گیری شدت افسردگی و نشانه‌های آن تدوین شد (Beck, Steer & Brown, 1996). این پرسش‌نامه دامنه‌ای از عملکردهای روان‌شناختی و زیست‌شناختی مانند تحریک‌پذیری، تغییرات در خواب و اشتها و دشواری در تمرکز را می‌سنجد. هر کدام از پرسش‌ها در یک مقیاس ۴ درجه‌ای از ۰ تا ۳ با نمره کل ۶۳ نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالا در

¹-Beck Depression Inventory-II

این پرسش‌نامه نشان‌دهنده شدت بیشتر علائم افسردگی است. نمره‌ها جمع می‌شوند تا نمره کلی در دامنه‌ای از ۰ تا ۶۳ نشانگر شدت افسردگی است. نمره ۰ تا ۱۳ کم، ۱۴-۱۹ خفیف، ۲۰-۲۹ متوسط، و ۳۰-۶۳ افسردگی شدید است (Beck, Steer & Brown, 1996).

پرسش‌نامه افسردگی بک یکی از پرکاربردترین پرسش‌نامه‌های افسردگی است که از همسانی درونی بالایی برخوردار است ($\alpha=0/94$)، همبستگی کلی پرسش‌ها در دامنه‌ای از ۰/۵۴ تا ۰/۷۴ است (Arnaud, Meagher, Norris & Bramson, 2001). ریس (Raes, 2010) نیز همسانی درونی پرسش‌نامه را ۰/۹۰ گزارش کرد. در نمونه‌های متفاوت، پایایی مشابه‌ای برای مثال، بیماران سرپایی ($\alpha=0/92$) و دانشجویان ($\alpha=0/93$) گزارش گردید (Smith & Erford, 1998). اعتبار بازآزمایی بالایی ($\alpha=0/94$) در مطالعه با بیماران سرپایی در هفته نخست و آخر جلسه‌های درمان بدست آمد (Beck, Steer & Brown, 1996). بررسی روایی سازه در مقایسه با SCL-90 بررسی و مشخص شد که پرسش‌نامه افسردگی بک با خرده مقیاس افسردگی آن ۰/۸۹ همبستگی نیرومندی وجود دارد (Steer, Ball, Ranieri & Beck, 1997).

در ایران، بشارت (Besharat, 2004) پایایی این ابزار را با استفاده از روش آلفای کرانباخ برای افراد بهنجار از ۰/۸۵ تا ۰/۹۲ و برای افراد بیمار از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ گزارش نمود. دابسونو محمدخانی (Dobson & Mohammad-Khani, 2006) نیز با نمونه‌ای متشکل از ۳۵۴ نفر ایرانی ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون را بررسی نمودند و دریافتند نتایج بدست آمده از این آزمون تاییدکننده تشخیص حاصل از مصاحبه بالینی ساختار یافته است و در تشخیص و سنجش شدت افسردگی از اعتبار بالایی برخوردار است. آن‌ها ضریب پایایی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۹۶ محاسبه کردند. هم‌چنین، در پژوهش کنونی نیز پایایی پرسش‌نامه مذکور، با استفاده از روش آلفای کرانباخ و دو نیمه‌سازی به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۲ بدست آمد.

ج) پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ^۱: در این پژوهش از فرم ۴۷ سئوالی پرسش‌نامه زناشویی انریچ استفاده شد. هر سؤال دارای ۵ گزینه است (کاملاً موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف، نظری ندارم) که به هر گزینه آن از 1 تا 5 یا به گونه معکوس از 5 تا 1 امتیاز داده می‌شود. نمره‌گذاری مقیاس به دو روش انجام می‌شود: ۱-نمره رضایت کلی از روابط زناشویی: که نمره‌های فرد در تمامی ۴۷ ماده بر اساس امتیازهای درج شده در کلید پرسش‌نامه جمع شده و نمره رضایت کلی را تشکیل می‌دهد. ۲-نمره مقیاس‌های فرعی: که شامل موضوع‌های شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و

¹-Enrich marital satisfaction questionnaire

فرزندان، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی است که در مجموع نمره‌ها را برای هر یک از مقیاس‌های فرعی به صورت جداگانه محاسبه کرده و سپس مجموع نمره هر مقیاس را بر عدد ۵ تقسیم می‌کنیم. سلیمانیان (Soleymanian, 1994) پایایی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرانباخ برای فرم کوتاه ۰/۹۵ بدست آورد. مردانی حموله و حیدری (Mardani & Haidari, 2010) نیز نشان دادند که این ابزار از روایی محتوایی برخوردار بوده و پایایی آن را با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۲ بدست آوردند. در نهایت، در پژوهش کنونی، پژوهشگران پایایی پرسش‌نامه را با استفاده از روش آلفای کرانباخ و دو نیمه‌سازی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۰ محاسبه کردند.

یافته‌ها

۱۶۷ شرکت کننده در این پژوهش شرکت داشتند که همگی آن‌ها زن و متاهل بودند. ۵۰/۲ درصد آن‌ها به گروه سنی ۲۸-۳۴ قرار داشتند. ۴۳/۹۲ درصد آن‌ها دارای تحصیلات کارشناسی و ۵۲/۳۰ درصد آن‌ها شاغل بودند. بمنظور ارزیابی الگوی پیشنهادی پژوهش از الگویابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. تمام تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای لیزرر و آموس ویراست ۱۸ انجام شد.

جدول ۱- همبستگی محاسبه شده میان رضایت‌زناشویی و افسردگی در زنان مورد مطالعه.

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- افسردگی	—						
۲- تمایز خود	**۰/۶۲-	—					
۳- جدایی عاطفی	**۰/۳۹*	**۰/۷۵-	—				
۴- واکنش هیجانی	**۰/۲۶*	**۰/۸۲-	**۰/۶۶*	—			
۵- آمیختگی با دیگران	**۰/۳۴*	**۰/۷۳-	**۰/۷۰*	**۰/۷۸*	—		
۶- جایگاه من	**۰/۱۸*	**۰/۸۴*	**۰/۶۲*	**۰/۷۱*	**۰/۵۸*	—	
۷- رضایت زناشویی	**۰/۵۹*	**۰/۵۰*	**۰/۳۴*	**۰/۴۶*	**۰/۳۸*	**۰/۲۵*	—

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، همبستگی محاسبه شده میان متغیرهای پژوهش از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۲- مقایسه شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی و تجربی.

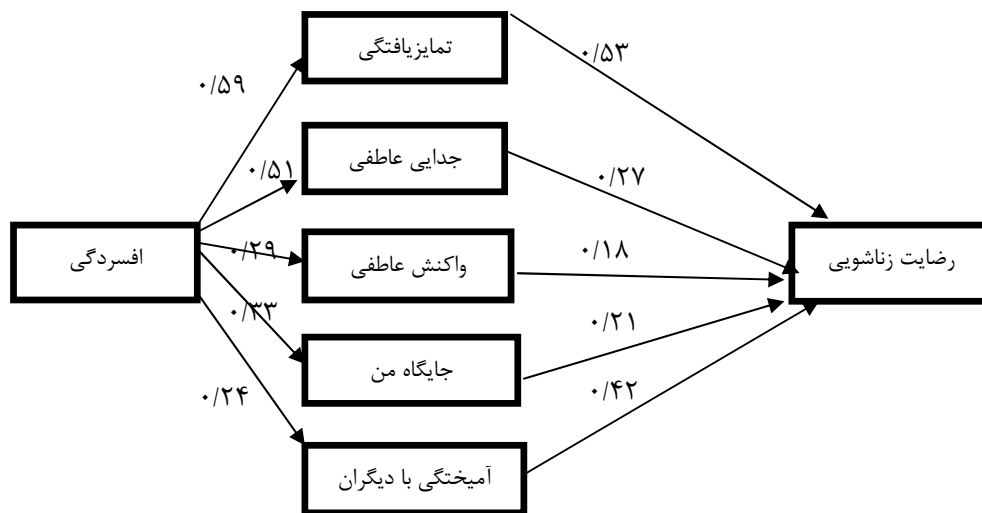
Chi-square (خی دو)	P-Value	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	الگو
۴۱/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۸۱	۰/۷۳	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۸۳	الگوی تجربی

با توجه به یافته‌های جدول بالا، الگوی پیشنهادی پژوهش در تمام شاخص‌های برازندگی مانند NFI, CFI, AGFI, GFI دارای برازش نسبتاً خوبی است، شاخص‌های برازش الگوی تجربی بیانگر آنند که داده‌های بدست آمده با الگوی مفهومی (پیشنهادی) مطابقت می‌کنند. به بیان دیگر، داده‌ها و الگوی تجربی با یکدیگر هم‌خوانی دارند و داده‌ها از الگوی تجربی پشتیبانی می‌کنند. همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، دو شاخص $GFI=0/73$ و $AGFI=0/86$ به یک نزدیک هستند، هر قدر این دو شاخص به یک نزدیک‌تر باشند نشان‌دهنده برازش کامل الگوی تجربی هستند.

جدول ۳- نتایج مدل‌سازی ساختاری برای الگوی پژوهش.

سطح معناداری	اثرات مستقیم	مسیرهای الگوی نهایی
۰/۰۰۱	۰/۵۹	افسردگی ← تمایز یافتگی
۰/۰۰۱	۰/۵۱	افسردگی ← جدایی عاطفی
۰/۰۰۸	۰/۲۹	افسردگی ← واکنش عاطفی
۰/۰۰۵	۰/۳۳	افسردگی ← جایگاه من
۰/۰۰۹	۰/۲۴	افسردگی ← آمیختگی با دیگران
۰/۰۰۱	۰/۶۱	افسردگی ← رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۰/۵۳	تمایز یافتگی ← رضایت زناشویی
۰/۰۰۷	۰/۲۷	جدایی عاطفی ← رضایت زناشویی
۰/۰۱	۰/۱۸	واکنش عاطفی ← رضایت زناشویی
۰/۰۰۷	۰/۲۱	جایگاه من ← رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۰/۴۲	آمیختگی با دیگران ← رضایت زناشویی

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، ضریب استاندارد تمامی مسیرها از متغیر افسردگی به تمایز یافتگی، خرده‌مقیاس‌های آن و رضایت زناشویی و تمامی مسیرها از تمایز یافتگی و خرده‌مقیاس‌های آن به رضایت زناشویی معنادار است.



شکل ۲- نتایج مدل سازی معادلات ساختاری برای ضرایب مسیرهای مستقیم الگوی پیشنهادی. پژوهش

تمامی ضرایب غیراستاندارد مسیرهای مستقیم از نظر آماری در سطح 0.01 معنادار هستند. ضرایب مسیر در شکل بالا، فرضیه‌های مستقیم پژوهش را تایید می‌کند.

جدول ۳- نتایج بوت استراپ برای بررسی اثرات غیرمستقیم افسردگی بر رضایت‌زنشویی از راه تمایز یافتگی و خرده‌مقیاس‌های آن.

مسیرهای غیرمستقیم	داده‌ها	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	سطح اطمینان
					حد بالا حد پایین
افسردگی بر رضایت زنشویی از راه تمایز یافتگی	۰/۷۱۴۹	۰/۷۱۶۸	۰/۰۰۵	۰/۲۱۵	۰/۸۵۹ ۰/۵۰۶
افسردگی بر رضایت زنشویی از راه جدایی عاطفی	۰/۴۲۸۷	۰/۴۳۲۱	۰/۰۰۳	۰/۰۲۲	۰/۷۰۳ ۰/۲۴۶
افسردگی بر رضایت زنشویی از راه واکنش هیجانی	۰/۲۴۶۰	۰/۲۵۱۸	۰/۰۰۷	۰/۰۸۰	۰/۵۴۱ ۰/۰۵۸
افسردگی بر رضایت زنشویی از راه جایگاه من	۰/۲۱۵۲	۰/۲۲۶۸	۰/۰۰۴	۰/۰۷۵	۰/۳۸۶ ۰/۰۳۳
افسردگی بر رضایت زنشویی از راه آمیختگی با دیگران	۰/۱۹۳۴	۰/۱۹۲۸	۰/۰۰۲	۰/۱۴۲	۰/۳۲۹ ۰/۰۳۷

فاصله‌های اطمینان برای مندرجات جدول بالا حاکی از قرار نگرفتن صفر در این فاصله‌ها و معناداری مسیرهای غیرمستقیم و در نتیجه تایید فرضیه‌های ۲ تا ۶ است. به این معنا که افسردگی در زنان اثر غیرمستقیم بر رضایت زنشویی از راه تمایز یافتگی و خرده‌مقیاس‌های جدایی عاطفی، واکنش هیجانی، جایگاه من، و آمیختگی با دیگران دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های بدست آمده از الگویابی معادلات ساختاری نشان داد که افسردگی بر رضایت زنشویی تاثیر مستقیم و غیر مستقیم از راه تمایز یافتگی و خرده‌مقیاس‌های آن (جدایی عاطفی، واکنش هیجانی، جایگاه من و آمیختگی)

با دیگران دارد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه میان تمایز خود، خرده‌مقیاس‌های آن و افسردگی با رضایت زناشویی در زنان پرداختند، هماهنگ است. برای نمونه، اسکوورن (Skowron, 2000) و کنر و بارتل‌هارینگ (Knerr & Bartel-Haring, 2010) به این نتیجه رسیدند که از میان همه ابعاد تمایز خود تنها جدایی عاطفی اندک پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی بیش‌تر در زنان است. در مطالعه پلگ (Peleg, 2008) رضایت زناشویی در زنان ارتباطی معنادار با جدایی عاطفی داشت. در حالی‌که، در مردان واکنش هیجانی و جایگاه من مهم بود. یوسفی و همکاران (Yousefi et al, 2009) نیز نشان دادند که همه ابعاد تمایز خود با رضایت زناشویی رابطه دارد. کالتا (Kaleta, 2014) نیز دریافت که میان تمایز یافتگی و مولفه جایگاه من با رضایت زناشویی زنان رابطه مثبت و میان مولفه‌های جدایی عاطفی، واکنش هیجانی، آمیختگی با دیگران و رضایت زناشویی زنان رابطه منفی وجود دارد. آبلاکر، کورتانگ، و ویسمن (Uebelacker, Courtnage & Whisman, 2003) دریافتند که افسردگی با سرکوب خود و الگوهای ارتباطی توصیف شده به‌عنوان زن-متقاضی و شوهر-کناره‌گیر همبسته است. هم‌چنین، ارتباط منفی میان افسردگی و رضایت زناشویی برای زنان معنادار بود، اما برای مردان نه. زنان نسبت به مردان رضایت زناشویی کم‌تری را تجربه می‌کنند و با تعارضات بیش‌تری در رابطه زناشویی مواجه می‌شوند مانند فرسودگی زناشویی و آشفتگی روان‌شناختی (Vandeleur et al, 2009). ویسمن (Whisman, 2001) نیز یک پژوهش فراتحلیلی درباره افسردگی و نارضایتی زناشویی انجام داد که ۲۶ مطالعه را دربرداشت. او دریافت که نارضایتی زناشویی برای توجیه تقریباً ۱۸ درصد از واریانس نشانگان افسردگی در زنان و ۱۴ درصد از واریانس افسردگی در مردان به‌کار رفت (این ارتباط به‌گونه‌ای معنادار برای زنان بیش‌تر از مردان بود). داویلا (Davila, 2001) اظهار داشت که ارتباط علی مستقیم میان رضایت زناشویی و نشانگان افسردگی اهمیت ندارد زیرا این دو پدیده به احتمال زیاد رابطه متقابل با یکدیگر دارند. رابطه دو متغیر رضایت زناشویی و افسردگی هنگامی که تمایز یافتگی به عنوان متغیر میانجی افزوده می‌شود، تغییر می‌کند. آنچه نمایان می‌شود، یک نظام پیچیده است، جایی که تمایز خود بر سطوح اولیه رضایت زناشویی و افسردگی و شیوه تغییر این دو پدیده در طول زمان

تاثیر می‌گذارد. در مطالعات گوناگون تمایز خود به عنوان یک متغیر میانجی یا تعدیل‌کننده در ارتباط میان متغیرهای گوناگون با کیفیت روابط زناشویی، بخشش و اختلاف زناشویی بود (Dekel, 2010). از این‌رو، پژوهشگران از تمایز یافتگی به عنوان یک متغیر واسطه‌ای برای بررسی ارتباط رضایت زناشویی و نشانگان افسردگی استفاده کردند. نتایج بدست آمده از پژوهش حاکی از آن بود که تمایز خود و خرده‌مقیاس‌های آن مانند جدایی عاطفی، واکنش هیجانی، جایگاه من، و آمیختگی با دیگران واسطه میان رضایت زناشویی و افسردگی در زنان است. یافته‌های این پژوهش، پژوهش‌های قبلی را که نشان دادند تمایز یافتگی در رضایت زناشویی و نشانگان افسردگی و روابط میان آن‌ها بود را گسترش داد. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌های دیگر هماهنگ بود. خادوما، گوردون، و بولدن (Khadouma, Gordon & Bolden, 2015) به این نتیجه رسیدند که نمره کلی تمایز یافتگی و دو خرده‌مقیاس جایگاه من و آمیختگی با دیگران واسطه ارتباط میان ذهن آگاهی و رضایت زناشویی می‌شود. هم‌چنین، کالتا (Kaleta, 2014) نشان داد که تمایز خود و مولفه‌های آن میان رضایت زناشویی و استرس در زنان واسطه می‌شود. به بیان دیگر، استرس از راه تمایز خود و مولفه‌های آن بر رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارد.

همان‌گونه که پژوهش‌های پیشین نشان داد، نشانه‌های بیماری‌های روانی و جسمانی و مشکلات اجتماعی بویژه اختلافات زناشویی با سطح تمایز یافتگی فرد مرتبط است (Skowron, Stanley & Shapiro, 2009; Skowron, 2000). افراد تمایز نیافته به فشارها با فوران عاطفی غیرمنطقی واکنش نشان می‌دهند، در روابط خود به دیگران وابسته‌اند، به پایان دادن به روابط میان‌فردی و جدا شدن از افراد به عنوان راهی برای مقابله با کنش‌ها و تعارض‌ها در روابط همزیستی‌گرایش دارند، نوسان‌های خلقی و هیجان‌های ناپایداری را تجربه می‌کنند (Peleg, 2013). این یافته‌ها با نظریه بوئن هماهنگ است (Bowen, 1978) که تاکید داشت سطح تمایز یافتگی برای تجربه صمیمیت و مشارکت در رابطه دو نفره زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است، و مشکلات زناشویی هنگامی بوجود می‌آیند که همسران تمایز نیافته باشند. با این حال، سطح تمایز یافتگی در ارتباط میان رضایت زناشویی و افسردگی واسطه می‌شود. مقدار ارتباط رضایت زناشویی با افسردگی به واکنش هیجانی، توانایی اتخاذ

جایگاه من، تمایل به آمیختگی به دیگران و جدایی عاطفی وابسته است. جدایی عاطفی ممکن است به عنوان مانعی برای ارتباط زناشویی و جستجوی روش‌های مقابله با تنش در ازدواج درک شود (Peleg, 2008). کناره‌گیری از تعاملات با افزایش احساس تنهایی در رابطه مرتبط است (Gottman, 1999) و فرد را از دریافت حمایت همسرش محروم می‌سازد و باعث کاهش رضایت زناشویی می‌گردد (Landis et al, 2013).

نا رضایتی زناشویی در افراد تمایز نیافتنه (Neff & Karney, 2009) ممکن است به اضطراب و افسردگی منجر شود. کوری‌کاک، مارادوک و مارزالک (Krycak, Murdock & Marszalek, 2012) افرادی که واکنش‌هایشان به وسیله هیجان‌ها هدایت می‌شوند یا مایلند تا در روابط از هم گسیخته درگیر شوند، حمایت عاطفی افراد دیگر را از دست می‌دهند. این امر به خاطر فاصله گرفتن از دیگران یا ماهیت فرساینده و آزاردهنده رفتارهای مرتبط با واکنش هیجانی است. فقدان حمایت به تجربه آشفتگی روان‌شناختی (Murdock & Core, 2004) و مشکلات در روابط میان فردی (Wei et al, 2005) منجر می‌شود که باعث پیشگیری از سازگاری با موقعیت‌های دشوار می‌شود.

References

- Arnau, R.C., Meagher, M.W., Norris, M.P., & Bramson, R. (2001). Psychometric evaluation of the Beck Depression Inventory-II with primary care medical patients. *Health Psychology*, 20(2), 112-119.
- Azadi, S., Nahidpoor, F., & Khosravi, Z. (2013). Prediction daughters' differentiation via mothers' differentiation: Investigation intergenerational transmission. [dissertation], Karaj: Islamic Azad university. [Persian]
- Bartle-Haring, S., & Lal, A. (2010). Using Bowen Theory to examine Progress in Couple Therapy. *The Family Journal*, 18, 106-115.
- Benazon, N.R., & Coyne, J.C. (2000). Living with a depressed spouse. *Journal of Family Psychology*, 14, 71-79.
- Beck, A.T., Steer, R.A., & Brown, G. (1996). Beck Depression Inventory II manual. San Antonio, TX: The Psychological Corporation.
- Besharat, M. (2004). Survey of psychometric indicators for beck depression inventory. [dissertation], Tehran University. [Persian]
- Bowen, M. (1978). Family therapy in clinical practice. Aronson, New York.
- Burpee, L.C., & Langer, E.J. (2005). Mindfulness and marital satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12, 43-51.

- Bulloch, A.G., Williams, J.V., Lavorato, D.H., & Patten, S.B. (2009). The relationship between major depression and marital disruption is bidirectional. *Depression and Anxiety*, 26, 1172-1177.
- Dekel, R. (2010). Couple forgiveness, self-differentiation and secondary traumatization among wives of former POW. *Journal of social and personal relationships*, 27(7), 924-937.
- Dobson, K.S., & Mohammad-Khani, P. (2006). Psychometric characteristics of the Beck Depression Inventory-II in patients with major depressive disorder in partial remission. *Social Welfare and Rehabilitation Sciences*, 8, 82-96.
- Elieson, M. V., & Rubin, L. J. (2001). Differentiation of self and major depressive disorders: A test of Bowen theory among clinical, traditional, and Internet groups. *Family Therapy*, 28, 125-142.
- Ertel, K.A., Rich-Edwards, J., & Koenen, K.C. (2011). Maternal depression in the united states: Nationally representative rates and risks. *Journal of Women's Health*, 20, 1609-1617.
- Gottman, J.M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically based marital therapy*. New York: W.W. Norton.
- Gottman, J.M., Gottman, J.S., & De Claire, J. (2006). *Ten lessons to transform your marriage*. New York: Crown Publishers.
- Gushue, G.V., & Constantine, M.G. (2003). Examining individualism, collectivism, and self-differentiation in African-American college women. *Journal of Mental Health Counseling*, 25, 1-15.
- Heiden-Rootes, K.M, Jankowski, P., & Sandage, S.J. (2010). Bowen Family Systems Theory and Spirituality: Exploring the Relationship between Triangulation and Religious Questing. *Contemporary Family Therapy*, 32, 89-101.
- Jankowski, P.J., & Hooper, L.M. (2012). Differentiation of self: A validation study of the Bowen theory construct. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 1, 226-243.
- Kaleta K. (2014). Marital satisfaction, differentiation of self and stress perceived by women. *Polskie Forum Psychologiczne*, 19(3), 305-319.
- Khaddouma, A., Gordon, K.C., & Bolden, J. (2015). Zen and the art of dating: Mindfulness, differentiation of self and satisfaction in dating relationships. *Couple and family psychology: Research and practice*, 4(1), 1-13.
- Klever, P. (2009). Goal Direction and Effectiveness, Emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35(3), 308-324.
- Knerr, M., & Bartle-Haring, S. (2010). Differentiation, perceived stress and therapeutic alliance as key factors in the early stage of couple therapy. *Journal of family therapy*, 32(2), 94-118.

- Krycak, R.C., Murdock, N.L., & Marszalek, J.M. (2012). Differentiation of self, stress and emotional support as predictors of psychological distress. *Contemporary family therapy*, 34(4), 495-515.
- Landis, M., Peter-Wight, M., Martin, M., & Bodenmann, G. (2013). Dyadic coping and marital satisfaction of older spouses in long-term marriage. *The journal of Gerontology psychology and Geriatric psychiatry*, 26(1), 39-47.
- Laurent, H.K., Kim, H.K., & Capaldi, D.M. (2009). Longitudinal effects of conflict behaviors on depressive symptoms in young couples. *Journal of Family Psychology*, 23, 596-605.
- Manzi, C., Vignoles, V.L., Regalia, C., & Scabini, E. (2006). Cohesion & enmeshment revisited: Differentiation, identity and well-being in two European cultures. *Journal of Marriage & Family*, 68, 673-689.
- Mardani, H.M., & Heidari, H. (2010). The relationship of optimism and attachment styles with marital satisfaction in hospital staff. *Journal of Oromiyeh Parastari and mamaee department*, 1(8), 46-52. [Persian]
- McNulty, J.K., & Russell, V.M. (2010). When "negative" behaviors are positive: A contextual analysis of the long-term effects of problem-solving behaviors on changes in relationship satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 98, 587-604.
- Meltzer, A.L., McNulty, J.K., & Karney, B.R. (2012). Social support and weight maintenance in marriage: The interactive effects of support seeking, support provision, and gender. *Journal of Family Psychology*, 26, 678-687.
- Murdock, N.L., Gore Jr. & Paul, A. (2004) Stress, coping, differentiation of self: A test of Bowen theory. *Contemporary Family Therapy*, 26, 319-335.
- Najaflooee, f. (2006). The role of self-differentiation in marital relations. *Journal of New thoughts on education*, 2, 27-37. [Persian]
- Neff, L., & Karney, B.R. (2009). How does context affect intimate relationships? Linking external stress and cognitive processes within marriage. *Personality and social psychology*, 97(3), 435-450.
- Peleg, O. (2013). The relationship between stressful life events and family patterns. *International Journal of Psychology*, 17(4), 26-37.
- Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *The American Journal of Family Therapy*, 36, 388-401.
- Peleg, O., & Rahal, A. (2012). Physiological symptoms and differentiation of self: A cross-cultural examination. *International Journal of Intercultural Relations*, 36, 719- 727.
- Proulx, C.M., Buehler, C., & Helms, H. (2009). Moderators of the link between marital hostility and change in spouses' depressive symptoms. *Journal of Family Psychology*, 23, 540-550.

- Raes, F. (2010). Rumination and worry as mediators of the relationship between self compassion and depression and anxiety. *Personality and Individual Differences*, 48, 757-761.
- Skowron, E.A. (2004). Differentiation of self, personal adjustment, problem solving, and ethnic group belonging among persons of color. *Journal of Counseling and Development*, 82, 447-456.
- Skowron, E. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-237.
- Skowron, E.A., & Friedlander, M.L. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 235-246.
- Skowron, E.A., & Schmitt, T.A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI Fusion with Others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209-222.
- Skowron, E.A., Stanley, K.L., & Shapiro, M.D. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, inter- personal and psychological well-being in young adult- hood. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 31, 3-18.
- Smith, C., & Erford, B.T. (1998). Test review: Beck Depression Inventory II. Association for Assessment in Counseling Education.
- Soleymanian, A.A. (1994). The Investigation of effect of irrational beliefs on the basis of cognitive approach on marital satisfaction. Thesis of master of Counseling, Tarbiat moalem university. [Persian]
- Steer, R.A., Ball, R., Ranieri, W.F., & Beck, A.T. (1997). Further evidence for the construct validity of the Beck Depression Inventory-II with psychiatric outpatients. *Psychological Reports*, 80, 443-446.
- Tuason, M.T., & Friedlander, M.L. (2000). Do parents' differentiation levels predict those of their adult children? And other test of Bowen theory in a Philippine sample. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 27-35.
- Uebelacker, L.A., Courtnage, E.S., & Whisman, M.A. (2003). Correlates of depression and marital dissatisfaction: Perceptions of marital communication style. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20, 757-769.
- Vandeleur, C.L., Jeanpretre, N., Perrez, M., & Shoebi, D. (2009). Cohesion, satisfaction with family bonds and emotional well-being in families with adolescents. *Journal of marriage and family*, 71(5), 1205-1219.
- Wei, M., Vogel, D.L., Ku, T., & Zakalik, R.A. (2005). Adult attachment, affect regulation, negative mood, and interpersonal problems: The mediating roles of emotional reactivity and emotional cut off. *Journal of counseling psychology*, 52(1), 14-24.

- Whisman, M. A. (2001). Depression and marital distress: Findings from clinical and community studies. In S. R. H. Beach (Ed.), *Marital and family process in depression* (pp. 3–24). Washington, DC: American Psychological Association.
- Yousefi, N., Etemadi, O., Bahrami, F., Fatehzade, M.A., Ahmadi, S., & Beshlideh, K. (2009). Structural relationships between self-differentiation and subjective well-being, Mental health and marital quality: Fitting Bowen theory. *Iranian journal of psychiatry and behavioral science*, 3(2), 4-14. [Persian]